



زهره اصغرپور

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و مربی مرکز اختلالات یادگیری مراغه

دکتر مهناز استکی

استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

### چکیده

کامل انجام نمی‌دهد، به‌راستی چگونه می‌تواند از نظر تحصیلی موفق باشد؟ بچه‌های کم‌آموز امروز بچه‌هایی هستند که دیروز آشکارا می‌درخشیدند. اغلب آن‌ها بچه‌هایی هستند که در سن دبستان، از نظر کلامی رشدی بسیار عالی داشته‌اند ولی به‌دلیل برخی مشکلات، اشتیاق آن‌ها به یادگیری و رضایتشان از نقشی که داشته‌اند، تغییر کرده است. ظهور این سندرم در عده‌ای تدریجی و در عده‌ای دیگر یکباره و ناگهانی است (اسدی، ۱۳۸۸).

### کم‌آموزی تحصیلی چیست؟

عملکرد ضعیف تحصیلی و کم‌آموزی اختلافی است بین ظرفیت یا توانایی بالقوه فرد و عملکرد وی که منجر به گرفتن نمرات پایین‌تر از آنچه هوش قادر به اکتساب آن است، می‌شود. این تعریف شامل نمرات پایینی که ناشی از هوش محدود باشد نمی‌شود و تنها افرادی را دربرمی‌گیرد که از لحاظ هوش متوسط یا بالا هستند ولی از لحاظ تحصیلی کمتر موفق‌اند و به‌طور عجیب و غیرمنتظره‌ای عملکرد ضعیف تحصیلی از خود نشان می‌دهند.

امروزه میلیون‌ها کودک که هیچ‌گونه ناتوانی جدی در یادگیری ندارند یا کودکان بالای متوسط یا حتی تیزهوشانی که مهارت‌های هوشی ویژه‌ای دارند و در گذشته درخششی عالی داشته‌اند، یکباره روند موفقیت‌شان معکوس می‌شود و دچار افت تحصیلی می‌گردند و نمی‌توانند به اندازه ظرفیت خود عمل کنند و خود را آن‌چنان که شایسته است نشان دهند. در حالی که ظرفیت واقعی این بچه‌ها برای معلمان و والدین‌شان بسیار روشن است. آن‌ها که ممکن است خیلی خلاق یا از هوش کلامی، هوش ریاضی یا استعداد بسیار بالا دیگری برخوردار باشند، نمی‌توانند در مدرسه به‌خوبی ایفای نقش کنند. این‌ها همان کودکان باهوشی هستند که از سندرم کم‌آموزی رنج می‌برند و آن‌ها را بچه‌های کم‌آموز می‌نامند (ریم، ۱۳۸۴).

پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه اضطراب و انگیزش پیشرفت و سطح تحصیلات والدین در بین دانش‌آموزان کم‌آموز انجام شد. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان کم‌آموز دختر پایه‌های اول تا سوم دبیرستان‌های شهر مراغه بود. نمونه مورد تحقیق ۱۲۳ دانش‌آموز کم‌آموز بودند. روش پژوهش از نوع هم‌بستگی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس و اضطراب کنترل استفاده شده است. با استفاده از مدل‌های آماری رگرسیون چندمتغیری و تحلیل واریانس دوطرفه، به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد و نتایج نشان داد که رابطه معنی‌داری بین برخی مؤلفه‌های اضطراب وجود دارد؛ بدین ترتیب که با افزایش فقدان انسجام هشیاری، نوروگرایی و گرایش به گناهکاری، انگیزه پیشرفت کاهش می‌یابد و به عکس. در حالی که بین سطح سواد والدین با اضطراب و انگیزش پیشرفت، رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

**کلیدواژه‌ها:** کم‌آموزی، اضطراب، انگیزه پیشرفت و سطح سواد والدین

### مقدمه و ادبیات پژوهش سندرم کم‌آموزی چیست؟

سندرم کم‌آموزی چیست؟ چه چیزی عامل آن است؟ تاکنون هیچ‌زن و هیچ توضیح زیستی عصب‌شناختی برای آن پیدا نشده است و ما هنوز علت خاصی برای کم‌آموزی کودکانی که توانمند در بین کودکان توانمند دیگر نمی‌شناسیم. تنها به نظر می‌رسد که این‌گونه کودکان روند موفقیت را به‌درستی نیاموخته‌اند. نکته مسلم این است که بچه‌های مورد بحث یاد گرفته‌اند که کمتر از ظرفیت‌های خود موفق شوند. کودکی که به درس گوش نمی‌دهد، خوب مطالعه نمی‌کند، خوب یاد نمی‌گیرد و تکالیف درسی‌اش را

## مشخصات کودکان کم‌آموز

کودکان کم‌آموز گرایش به بی‌نظمی دارند. اتلاف وقت می‌کنند، تکالیفشان را از یاد می‌برند یا گم می‌کنند، کتاب‌هایشان را در مکان‌های دیگر جای می‌گذارند، طی روز با خیال‌بافی زندگی می‌کنند، به خاطر حواس‌پرتی در کلاس به درس گوش نمی‌دهند، مرتب از پنجره کلاس بیرون را تماشا می‌کنند، دائم با بچه‌های دیگر صحبت می‌کنند و مهارت‌های یادگیری در آنان بسیار ضعیف است یا اصلاً وجود ندارد.

سندرم کم‌آموزی به‌طور وحشتناکی بر کودک و کل خانواده تأثیر می‌گذارد. این مشکل مرتباً تقویت می‌شود و تا وقتی که کسی یا چیزی به عمد یا خود به خود دست به معکوس کردن چرخه آن نشود، به رشد خود ادامه خواهد داد. دخالت‌های برنامه‌ریزی نشده معلمان، دوستان، مربیان یا دیگر افراد مهم که در اطراف کودک کم‌آموز هستند، ممکن است به سرعت و روند شکل‌گیری اعتماد به نفس در او کمک کند یا این روند را معکوس سازد. این افراد گاهی برای کودک حکم الگو را دارند اما در بعضی موارد حمایت آن‌ها شرایط را بحرانی‌تر می‌کند. اصولاً کودکان موفق، ظرفیت موفقیت‌های بیشتر و بالاتری را دارند و ممکن است گام‌های بزرگی در ابراز مهارت‌های جدید بردارند. نمونه‌هایی که تبدیل به بچه‌های کاملاً موفق می‌شوند، شاگردانی هستند که یکبار پس از دوره دبیرستان در دانشگاه نمرات عالی می‌گیرند یا مشاغل مهمی به‌دست می‌آورند. متأسفانه تنها درصد اندکی از این «دبیرس‌های آینده» توان خود را به مرحله فعالیت می‌رسانند و استعداد‌هایشان شکوفا می‌شود ولی در جامعه افراد بسیاری هستند که در این چرخه مارپیچی به پایین فرو می‌غلطند و سرانجام در دبیرستان یا دوره پیش‌دانشگاهی ترک تحصیل می‌کنند (صفری، ۱۳۸۶). عوامل به‌وجودآورنده کم‌آموزی بسیار متعدد و گوناگون‌اند؛ از جمله عوامل اقتصادی، فرهنگی، اختلالات هیجانی و عاطفی، ناتوانی‌های یادگیری، اضطراب، نبود انگیزه پیشرفت، سطح سواد والدین، ترتیب تولد بچه‌ها، طلاق و... به‌دلیل کثرت متغیرها فقط متغیر اضطراب و انگیزه پیشرفت و سطح سواد والدین انتخاب شدند تا رابطه بین متغیرها را با یکدیگر در بچه‌های کم‌آموز بررسی کنیم. از جمله مواردی که باعث کم‌آموزی در کودکان می‌شود، اضطراب است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اضطراب علاوه بر آنکه آثار سوئی بر رفتار فرد می‌گذارد، بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز اثر منفی دارد.

دانش‌آموزی داشتیم که از لحاظ بهره هوشی حدود ۱۲۱ بود که این میزان ضریب هوشی بالاتر از حد طبیعی بود. او از نظر معلومات عمومی نیز نسبت به دانش‌آموزان دیگر خیلی عالی بود ولی در درس دیکته ضعیف بود. پس از بررسی‌های لازم و آموزش‌های انجام شده در مرکز اختلالات یادگیری، این دانش‌آموز در درس دیکته تقریباً مسلط شد ولی مشکلی که وجود داشت این بود که او در کلاس درس و همراه هم‌کلاسی‌های خود قادر به نوشتن دیکته نبود. در حضور مادر و پدرش و مربی اختلالات یادگیری دیکته را بدون غلط می‌نوشت ولی در مدرسه و در کلاس درس دیکته‌هایش پر از اشتباهات گوناگون بود و این خیلی عجیب به‌نظر می‌رسید. پس از بررسی‌های انجام یافته متوجه شدیم که چون این دانش‌آموز قبلاً در املا ضعیف بوده و مورد تحقیر دوستان و هم‌کلاسی‌هایش قرار می‌گرفته است، موقع نوشتن دیکته در کلاس درس دچار اضطراب شدید می‌شود. بنابراین، با معلم و مشاور مدرسه صحبت کردیم و تصمیم گرفتیم مدرسه‌ او را عوض کنیم. حدود یک هفته بیشتر طول نکشید که این دانش‌آموز باهوش که می‌خواست ترک تحصیل کند دیکته را بدون اشتباه نوشت و دوباره به دامن تعلیم و تربیت برگشت و سندرم کم‌آموزی به کلی از وجودش رخت بربست. نبود انگیزه نیز از جمله عواملی است که می‌تواند باعث کم‌آموزی شود.

انگیزه در واقع موتور حرکت هر فرد است اما بعضی از دانش‌آموزان این انگیزه را بر اثر تلقین منفی از دست می‌دهند. مثلاً می‌گویند من در فلان درس ضعیفم، توان حفظ کردن ندارم و... سلیگمن این‌گونه عدم یادگیری را درماندگی آموخته شده نامیده است (شریفی، ۱۳۷۹).

از جمله آسیب‌هایی که کم‌آموزی به بیکره نظام آموزشی می‌زند، خطر افت تحصیلی است که همه ساله مقادیر زیادی از امکانات مالی و نیروی انسانی آموزش و پرورش به این معضل اختصاص می‌یابد. سه متغیر در بررسی علل کم‌آموزی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه مراغه انتخاب شد که شامل اضطراب، انگیزه پیشرفت و سطح سواد والدین است. به این ترتیب، سؤال اصلی بدین صورت مطرح می‌شود: آیا بین مؤلفه‌های اضطراب، انگیزه پیشرفت و سطح سواد والدین در بین دانش‌آموزان کم‌آموز رابطه وجود دارد؟ در راستای سؤال اصلی تحقیق، سؤال‌های فرعی به شرح زیر عنوان می‌شوند:

آیا بین مؤلفه‌های اضطراب و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان کم‌آموز رابطه وجود دارد؟

آیا بین انگیزه پیشرفت و سطح سواد والدین در دانش‌آموزان کم‌آموز رابطه وجود دارد؟

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع هم‌بستگی بوده است؛ زیرا هیچ‌کدام از متغیرهای تحقیق دست‌کاری نشده‌اند و تنها به بررسی ارتباط بین آن‌ها پرداخته شده است. جامعه تحقیق حاضر را تمامی دانش‌آموزان کم‌آموز دختر پایه‌های اول تا سوم دوره متوسطه مدارس شهر مراغه تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها تعداد ۱۲۳ دانش‌آموز از طریق غربالگری و تشخیص معلمان از میزان هوش و استعداد دانش‌آموزان شناسایی شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب که حدود ۱۰ دبیرستان از منطقه مراغه انتخاب شد. در هر دبیرستان، به دبیران در مورد مشخصات و ویژگی‌های دانش‌آموزان کم‌آموز توضیح داده شد و از آن‌ها درخواست گردید که دانش‌آموزانی را که به‌نظر می‌آید باهوش‌اند ولی انگیزه‌ای برای درس خواندن ندارند یا در ابتدا نمرات و معدل‌های خوبی داشته ولی بعداً افت کرده‌اند، به آزمونگر معرفی کنند. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق حاضر عبارت بودند از انگیزه پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰) و آزمون مقیاس و اضطراب کتل.

آزمون انگیزه پیشرفت هرمنس شامل ۲۹ سؤال است. برای محاسبه اعتبار از دو روش آلفای کرونباخ و آزمون-آزمون مجدد استفاده شد که ضریب محاسبه شده به میزان ۰/۸۴ به‌دست آمد. با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مطالعه اصلی، پرسش‌نامه‌ها بعد از گذشت سه هفته مجدداً در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت و ضریب پایینی به‌دست آمده ۰/۸۲ محاسبه شد (عزیزی، ۱۳۸۲).

در راستای روایی پرسش‌نامه نیز مطرح می‌شود که هرمنس سؤالات پرسش‌نامه را براساس پژوهش‌های قبلی درباره انگیزه پیشرفت طراحی و ضریب هم‌بستگی هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت محاسبه کرده و از این نظر آزمون دارای روایی است. ضریب‌های هم‌بستگی که برای سؤالات پرسش‌نامه گزارش شده، به ترتیب سؤالات پرسش‌نامه در دامنه‌ای از ۰/۵۷ تا ۰/۳۰ است. علاوه بر این، در یک مطالعه، هرمنس به وجود ضریب هم‌بستگی بین این پرسش‌نامه و آزمون TAT اشاره دارد.

**مقیاس سنجش اضطراب:** مقیاس سنجش اضطراب کتل (۱۳۶۹) شامل ۴۰ سؤال است و شاید بتوان گفت که از معتبرترین ابزار (به‌صورت یک پرسش‌نامه کوتاه) برای سنجش اضطراب محسوب می‌شود. مقیاس

سندرم کم‌آموزی به‌طور چشمگیری بر کودک و کل خانواده تأثیر می‌گذارد. این مشکل مرتباً تقویت می‌شود و تا وقتی که کسی یا چیزی به عمد یا خود به خود دست به معکوس کردن چرخه آن نزنند، به رشد خود ادامه خواهد داد. دخالت‌های برنامه‌ریزی نشده معلمان، دوستان، مربیان یا دیگر افراد مهم که در اطراف کودک کم‌آموز هستند، ممکن است به سرعت و روند شکل‌گیری اعتماد به نفس در او کمک کند یا این روند را معکوس سازد

از جمله آسیب‌هایی که کم‌آموزی به پیکره نظام آموزشی می‌زند، خطر افت تحصیلی است که همه ساله مقادیر زیادی از امکانات مالی و نیروی انسانی آموزش و پرورش به این معضل اختصاص می‌یابد

کتل پرسش‌نامه‌ای است که می‌تواند مکمل تشخیص بالینی باشد (کراز به نقل از دادستان، ۱۳۸۶). این مقیاس در سال ۱۳۶۸ توسط دادستان و دیگران در جمعیت دانشجویان ایرانی هنجاریابی شده است. در این هنجاریابی ۸۹۴ آزمودنی دانشجویی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. اعتبار این آزمون، که از طریق اجرای مجدد آن و به دفعات متعدد صورت گرفته، همیشه بالاتر از ۰/۷۰ درصد به‌دست آمده است. این ابزار قابلیت تمایز بین افراد مضطرب و طبیعی را دارد (گنجی، ۱۳۸۰).

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌های آماری مورد استفاده در تحقیق حاضر عبارت‌اند از رگرسیون چند متغیری و تحلیل واریانس دو طرفه؛ از طریق جدول آماری رگرسیون چند متغیری به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های اضطراب با انگیزش پیشرفت و از مدل آماری تحلیل واریانس دو طرفه به بررسی ارتباط بین سطح تحصیلات والدین با انگیزش پیشرفت پرداخته شد. شایان گفتن است که مدل‌های آماری یادشده پس از بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق شاخص‌های آماری گرایش مرکزی، پراکندگی و شاخص‌های توزیع مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱: شاخص‌های آماری مرتبط با متغیرهای «اضطراب» و «انگیزه پیشرفت»

| متغیر                               | شاخص‌های گرایش مرکزی |       |         | شاخص‌های پراکندگی |         |              | شاخص‌های توزیع |          |             |
|-------------------------------------|----------------------|-------|---------|-------------------|---------|--------------|----------------|----------|-------------|
|                                     | نما                  | میانه | میانگین | دامنه تغییرات     | واریانس | انحراف معیار | خطای معیار     | ضریب کجی | ضریب کشیدگی |
| فقدان توحید یافتگی یا انسجام هشیاری | ۱۱                   | ۱۱    | ۱۰/۲۳   | ۱۵                | ۱۴/۳۷   | ۳/۷۹         | ۰/۳۴           | -۰/۲۱    | ۰/۵۶        |
| فقدان نیروی من یا نوروزگرایی عمومی  | ۷                    | ۷     | ۶/۳۰    | ۱۱                | ۵/۵۲    | ۲/۳۵         | ۰/۲۱           | -۰/۳۱    | ۰/۱۸        |
| ناایمنی پارانویابی                  | ۵                    | ۵     | ۴/۴۳    | ۸                 | ۵/۱۱    | ۲/۲۶         | ۰/۲۰           | ۰/۱۰     | -۰/۰۹       |
| گرایش به احساس گنهکاری              | ۱۱                   | ۱۰    | ۸/۹۵    | ۱۱                | ۱۰/۰۴   | ۳/۱۶         | ۰/۲۸           | -۰/۳۱    | ۰/۵۴        |
| تنش‌گرایی فشار بن                   | ۱۴                   | ۱۴    | ۱۳/۷۶   | ۱۳                | ۵/۸۵    | ۲/۴۱         | ۰/۲۱           | ۰/۰۵     | -۰/۰۵       |
| انگیزه پیشرفت                       | ۱۰۳                  | ۱۰۳   | ۸۹/۵۲   | ۱۱۴               | ۱۰۰۶/۶۹ | ۳۱/۷۲        | ۲/۸۶           | -۰/۲۸    | ۰/۰۳        |

ضرایب رگرسیون مربوط به جدول شماره ۲

| متغیر ملاک        | متغیرهای پیش‌بینی‌کننده             | میزان B | ضریب بتا | میزان t | سطح معنی‌داری |
|-------------------|-------------------------------------|---------|----------|---------|---------------|
| انگیزش پیشرفت     | فقدان توحید یافتگی یا انسجام هشیاری | -۲/۳۴   | -۰/۶۸    | ۰/۲۸    | ۰/۰۰۱         |
|                   | فقدان نیروی من یا نوروزگرایی عمومی  | -۲/۹۷   | -۱/۱۰    | ۰/۲۲    | ۰/۰۰۸         |
|                   | ناایمنی پارانویابی                  | ۱/۵۶    | ۱/۱۴     | ۰/۱۱    | ۰/۱۷۵         |
|                   | گرایش به احساس گنهکاری              | -۲/۸۱   | -۰/۸۲    | -۰/۲۸   | ۰/۰۰۱         |
| تنش‌گرایی فشار بن | ۱/۳۱                                | ۱/۰۸    | ۰/۱۰     | ۰/۲۲۸   |               |

باتوجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود هم‌زمان و هم‌چنین ضرایب رگرسیون به‌دست آمده، می‌توان مطرح کرد که ارتباط منفی معنی‌داری بین «فقدان توحید یافتگی یا انسجام هشیاری»، «فقدان نیروی من یا نوروزگرایی عمومی» و «گرایش به احساس گنهکاری» با «انگیزش پیشرفت»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «فقدان توحید یافتگی یا انسجام هشیاری»، «فقدان نیروی من یا نوروزگرایی عمومی» و «گرایش به احساس گنهکاری»، «انگیزش پیشرفت» کاهش می‌یابد و با کاهش آن‌ها «انگیزش پیشرفت» افزایش می‌یابد.

با تأکید بر اینکه تفاوت اندکی بین نما، میانه و میانگین وجود دارد و از آنجا که میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی کمتر از رقم ۱ است، می‌توان گفت که توزیع فوق، مفروضه نرمال بودن را داراست و می‌توان از میانگین به‌عنوان معرف شاخص گرایش مرکزی استفاده کرد و از مدل‌های آمار پارامتریک استفاده به عمل آورد.

## سؤال ۱: آیا بین مؤلفه‌های اضطراب و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان کم‌آموز رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۲: رگرسیون چند متغیری جهت پیش‌بینی «انگیزه پیشرفت» از طریق «مؤلفه‌های اضطراب»

| منبع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | میزان F | سطح معنی‌داری |
|--------------|---------------|------------|-----------------|---------|---------------|
| رگرسیون      | ۲۷۶۷۴/۹۰      | ۵          | ۵۵۳۴/۹۸         | ۶/۸۰    | ۰/۰۰۱         |
| باقی‌مانده   | ۹۵۱۴۱/۸۰      | ۱۱۷        | ۸۱۳/۱۷          |         |               |

با تأکید بر میزان F به‌دست آمده، مطرح می‌شود که بین «مؤلفه‌های اضطراب» با «انگیزه پیشرفت» در سطح  $\alpha=0/01$  ارتباط معنی‌داری مشاهده می‌شود و توان پیش‌بینی «انگیزه پیشرفت» از طریق «مؤلفه‌های اضطراب» وجود دارد. برای شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است که جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

## سؤال ۲: آیا بین سطح تحصیلات والدین و انگیزه پیشرفت در دانش آموزان کم‌آموز رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۳: تحلیل واریانس دو طرفه مرتبط با بررسی ارتباط «سطح تحصیلات والدین» با «انگیزه پیشرفت»

| منبع تغییرات                     | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | میزان F | سطح معنی داری |
|----------------------------------|---------------|------------|-----------------|---------|---------------|
| تحصیلات پدر                      | ۶۰۵۴/۶۸       | ۲          | ۳۰۲۷/۳۴         | ۳/۰۷    | ۰/۰۶۰         |
| تحصیلات مادر                     | ۴۶۳۶/۷۶       | ۲          | ۲۳۱۸/۳۸         | ۲/۳۵    | ۰/۱۰۰         |
| تعامل تحصیلات پدر و تحصیلات مادر | ۳۵۹/۴۲        | ۲          | ۱۷۹/۷۱          | ۰/۱۸    | ۰/۸۳۴         |
| خطا                              | ۱۱۴۳۳۴/۳۵     | ۱۱۶        | ۹۸۵/۶۴          |         |               |
| کل                               | ۱۱۰۸۵۲۵       | ۱۲۳        |                 |         |               |

باتوجه به جدول بالا و با تأکید بر میزان مقادیر F به دست آمده، مطرح می‌شود که بین «سطح تحصیلات والدین» و «انگیزه پیشرفت» در سطح  $a = 0/05$  ارتباط معنی داری وجود ندارد.

## بحث و نتیجه گیری

کم‌آموزی در بچه‌های باهوش و تیزهوش علل بسیار زیاد و ناشناخته‌ای دارد. برخی از این متغیرها که به نظر می‌رسد با سندرم کم‌آموزی رابطه دارند، عبارت‌اند از اضطراب، انگیزه پیشرفت و سطح تحصیلات والدین. سندرم کم‌آموزی مشکلی همه‌گیر است و این مشکل در هر کلاسی وجود دارد و تنها با کمک والدین و معلمان حل می‌شود. عدم موفقیت فرزندان مشکلی است که زندگی خانواده‌ها را آشفته می‌کند. بازدهی کلاسی را به حداقل می‌رساند و انگیزه و احساس کنترل فردی را از دانش آموز می‌گیرد. داده‌ها نشان داد که بین برخی مؤلفه‌های اضطراب همچون «فقدان توحید یافتگی یا انسجام هشیاری»، «فقدان نیروی من یا نوروزگرایی عمومی» و «گرایش به احساس گنهکاری» با «انگیزش پیشرفت»، ارتباط منفی معناداری مشاهده می‌شود که این نتایج با تحقیقات النیال<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، ری<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) و نوری (۱۳۸۶) هماهنگ و همسوست. بین مؤلفه‌های اضطراب و انگیزش پیشرفت رابطه معنادار دیده شد. این رابطه و هم‌بستگی منفی است؛ یعنی، هر چه اضطراب بالا می‌رود، انگیزه پیشرفت افت می‌کند. این رابطه هم در دانش‌آموزان کم‌آموز و هم در دانش‌آموزان عادی صادق است. دانش‌آموزان کم‌آموز به دلیل شکست‌ها و افت‌های تحصیلی پی در پی دچار اضطراب می‌شوند و این اضطراب اگر زیاد باشد، انگیزه پیشرفت دانش‌آموز را کم می‌کند و در نتیجه دانش‌آموز رغبتی به درس خواندن نشان نمی‌دهد و دچار سندرم کم‌آموزی می‌شود. سیلویا ریم به‌عنوان محقق برجسته که در زمینه کم‌آموزی تحقیقات گسترده‌ای دارد، در کتاب «چرا کودکان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند» به یک نمونه اشاره می‌کند؛ ایزابل دختری فوق‌العاده باهوش با ضریب هوشی ۱۵۰ مورد توجه همگان بود. او در چهار سالگی به خواندن و نوشتن مسلط شد. در تمام کلاس‌ها رتبه اول را داشت، چنان‌که از طرف فامیل لقب دانشمند کوچک را به او دادند. بعدها او وارد دانشگاه شد و در رشته پزشکی درس خواند؛ در حالی که در تمام دروس نمره A می‌گرفت. در امتحان دیگری که برگزار شد ایزابل دچار اضطراب شدید بود. چنانچه در هنگام نوشتن سؤالات به‌نظرش رسید که جواب تمامی آن‌ها از ذهنش

پاک شده است. این اضطراب تمرکز او را فلج کرد و این بار ایزابل نمره C را گرفت. اضطرابش شدید شد و در نتیجه احساس کرد که دیگر انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارد. آری، ایزابل دچار سندرم کم‌آموزی شده و اضطراب او انگیزه پیشرفتش را گرفته بود. چنان‌که در نتایج تحقیق هم دیده می‌شود، همه مؤلفه‌های اضطراب به یک اندازه با انگیزش پیشرفت رابطه معکوس ندارند و تنها بین مؤلفه Q<sub>۱</sub> (فقدان انسجام هشیاری) و مؤلفه C اضطراب (نوروزگرایی عمومی) و مؤلفه اضطراب O (گرایش به گنهکاری) و انگیزش رابطه معنادار دیده شد. بنابراین، عاملی که بیشترین تأثیر را در کم‌آموزی دارد، میزان اضطراب دانش‌آموزان است. از طرفی، تفاوت معناداری بین انگیزه پیشرفت با تأکید بر سطح تحصیلات والدین دیده نمی‌شود. این نتایج با تحقیقات دیکنز، فلین و لیر (۲۰۰۲) و صفری (۱۳۸۱) ناهم‌سوست و به نظر می‌رسد که این نتیجه ناشی از آن است که سطح سواد پایین والدین تأثیر چندانی در انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان کم‌آموز نداشته است. انگیزه پیشرفت یک نیروی درونی است که می‌تواند به صورت خودانگیزه در بعضی از افراد وجود داشته باشد و سطح سواد والدین در به‌وجود آمدن آن تأثیر چندانی ندارد. سطح سواد پدر و مادر می‌تواند به عنوان یک عامل در ایجاد انگیزه پیشرفت تأثیرگذار باشد؛ چه بسا پدر و مادری که اکنون بی‌سوادند، در گذشته انگیزه پیشرفت بالایی داشته و مایل بوده‌اند که به پیشرفت‌های علمی و تحصیلی برسند ولی به دلیل مشکلات متعدد نتوانسته‌اند درس بخوانند. آن‌ها این انگیزه را به فرزندان خود انتقال داده و آن‌ها را تشویق به تحصیل کرده‌اند. با توجه به این‌که حوزه‌های پژوهش در این مورد ناگشوده مانده، به تحقیقات جدیدی نیاز است. از جمله:

- ✓ سطح اضطراب و انگیزش پیشرفت والدین با سطح اضطراب و انگیزش پیشرفت کودکان کم‌آموز مقایسه شود.
- ✓ تأثیر متغیرهای کم‌آموزی با سایر کشورهای جهان مقایسه شود تا نقش فرهنگ، نژاد و قوم مشخص گردد.
- ✓ بهتر است از طرف آموزش و پرورش دوره‌های ضمن خدمت برای آشنایی هر چه بیشتر دبیران با دانش‌آموزان کم‌آموز و چگونگی راهنمایی آنان برگزار شود.

## پی‌نوشت

1. Alnayal
2. Ray

## منابع

۱. اسدی، معصومه؛ «تیزهوش ولی کم‌آموز». 1388. www.Magiran.com
۲. امین‌فر، مرتضی، «علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن». فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۵.
۳. ریم؛ سیلویا؛ وقتی کودکان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند، مترجم: ناهید آزادمنش، تهران، نشر صابرین، ۱۳۸۴.
۴. شریفی، حسن پاشا؛ «افت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن». تهران، مجله رشد سال نهم شماره ۱ تا ۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
۵. صفری؛ لیلا، «بررسی علل پدیده کم‌آموزی و افت تحصیلی در مدارس و راه‌های مقابله با آن». 1381. www.progress86.com blogfa
۶. نوری، زهرا؛ «رابطه خودکارآمدی و حمایت اجتماعی با اضطراب امتحان در بین دانش‌آموزان سوم متوسطه شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، ۱۳۸۶.
۷. هومن، حیدرعلی؛ اندازه‌گیری روانی و تربیتی و فن تهیه تست، چاپ دهم، تهران، نشر سلسله، ۱۳۷۷.

8. Dickens, D., Flgmn. H.M. & Lareau, B (2002). The determinants of scholastic achievement: An appraisal of some recent evidence. Journal of Human Resources.